



• دکتر علی تقوی •

شاهنامه و هنر نقالی

• داستان سیاوش در سه روایت •



• دکتر علی تقوی •

شاهنامه و هنر نقالی

• داستان سیاوش در سه روایت •

سرشناسه	:	تقوی، علی، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	:	شاهنامه و هنر نقالی: داستان سیاوش در سه روایت/ علی تقوی؛ به سفارش مؤسسه فرهنگی هنری فرهیختگان معاصر. تهران: پایا، ۱۴۰۰.
مشخصات نشر	:	۱۱۵ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.
مشخصات ظاهری	:	۸-۹۵-۶۷۴۸-۶۷۴۴-۹۷۸: ۴۵۰۰۰۰ ریال
شابک	:	فیبا
وضعیت فهرست نویسی	:	کتابنامه: ص. [۱۱۳] - ۱۱۵.
یادداشت	:	داستان سیاوش در سه روایت.
عنوان دیگر	:	سیاوش (اساطیر ایرانی)
موضوع	:	مؤسسه فرهنگی هنری فرهیختگان معاصر
شناسه افزوده	:	PIR۴۴۹۶
رده بندی کنگره	:	۸۶۱/۲۱
رده بندی دیویی	:	۸۷۶۷۱۵۶
شماره کتابشناسی ملی	:	فیبا
اطلاعات رکورد کتابشناسی:		



انتشارات پایا

شاهنامه و هنر نقالی داستان سیاوش در سه روایت

نویسنده: دکتر علی تقوی



چاپ نخست، ۱۴۰۱

قیمت: در nashrepaya.ir درج شده است.

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: ناژو

نشانی: تهران، میدان فاطمی، خیابان جویبار، کوچه نور بخش، پلاک ۳۲ www.nashrepaya.ir

تلفن: ۸۸۹۳۰۰۴۸ - ۸۸۹۳۰۰۴۶

این اثر در قالب طرح پژوهشی، به سفارش مؤسسه فرهنگی فرهیختگان معاصر، تألیف و منتشر شده است.
حق چاپ محفوظ و متعلق به ناشر است.

فهرست مطالب

مقدمه	۵
فصل نخست؛ تحلیل و تبیین تعامل شاهنامه و هنر نقالی	۱۳
۱-۱. درآمد	۱۵
۲-۱. شاهنامه و هنر نقالی	۱۷
۱-۲-۱. تعریف هنر نقالی	۱۷
۲-۲-۱. پیشینه هنر نقالی در ایران	۱۹
۳-۲-۱. طومار و روایت‌های نقالان	۲۲
۴-۲-۱. انواع هنر نقالی	۲۳
۱-۴-۲-۱. شاهنامه‌خوانی	۲۴
۵-۲-۱. تعاملات شاهنامه و هنر نقالی	۲۷
فصل دوم؛ نقد و تحلیل داستان سیاوش در سه روایت	۳۵
۱-۲. درآمد	۳۷
۲-۲. پیرنگ داستان سیاوش براساس شاهنامه فردوسی	۴۱
۳-۲. پیرنگ داستان سیاوش براساس روایت هفت لشکر	۷۸
۴-۲. پیرنگ داستان سیاوش براساس روایت شاهنامه گُردی	۸۳
۵-۲. تحلیل تطبیقی داستان سیاوش در سه روایت	۹۹
کتابنامه	۱۱۳

مقدمه

شاهنامه، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین منظومه حماسی ایران، همواره در گستره فرهنگ و ادب و هنر ایران حضوری چشمگیر داشته است. حکیم ابوالقاسم فردوسی در اثر جاودانه خود که به درستی به عنوان حماسه ملی ایران شناخته شده است، هم صورتی منظوم و منسجم از قدیم‌ترین روایات اساطیری، افسانه‌ای و پهلوانی ایران را در بهترین شکل و صورت ممکن و با زبانی سخت پیراسته و رسا فراهم آورده و هم به بیان پاره‌ای از عالی‌ترین مفاهیم و مضامین انسانی پرداخته است. با توجه به این نقش ویژه و خاص شاهنامه در صیانت از زبان، فرهنگ و هویت ایرانی، بسیاری از ادیبان و هنرمندان ایرانی و غیرایرانی از همان سده پنجم بدین سو، مستقیم یا غیرمستقیم، وامدار شاهنامه بوده‌اند.

شاهنامه با گذشت بیش از هزار سال از سرایش آن، همواره در شئون مختلف زندگی ایرانیان و گاه دیگر مردم آگاه و نیک‌سرشت جهان حضور داشته است. دامنه تأثیرپذیری از این متن، تنها محدود به حوزه ادبیات و خلق آثار ادبی و ترجمه تمام یا قسمتی از آن به زبان‌های زنده دنیا نیست، بلکه در طول سالیان پس از سرایش شاهنامه، همواره هنرمندان ایرانی متأثر از آن، به خلق زیباترین آثار خود همت گماشته‌اند. در واقع از همان سده‌های آغازین

خلق این حماسه ملی، اشعار، داستان‌ها و شخصیت‌های آن به صورت‌های گوناگونی در انواع هنر ایرانی تأثیرگذار بوده است.

از هنرهایی که از شاهنامه بسیار تأثیر پذیرفته، هنر نگارگری است. قابلیت‌های تصویری و نوع پرداخت روایت‌های اساطیری شاهنامه در کنار مضامین بلند حماسی، زمینه‌ساز آن شد تا این اثر یکی از مهم‌ترین متون ایرانی برای تصویرگری به شمار آید و نگارگران ایرانی، به‌ویژه از دوره ایلخانان مغول تا همین دوره معاصر، در قالب آثاری ارزشمند و نفیس چون شاهنامه‌های ابوسعیدی، ابراهیم سلطان، بایسنغری و شاه تهماسبی، بیش از ده هزار نگاره را متأثر از داستان‌ها و شخصیت‌های اساطیری و پهلوانی شاهنامه به تصویر بکشند و در معرض دید همگان قرار دهند.

از دیگر هنرهای متأثر از شاهنامه، هنر کاشی‌کاری است. از اواخر دوره سلجوقی تا به امروز، بخش‌هایی از متن شاهنامه یا تصاویری از شخصیت‌های اساطیری و حماسی بر کاشی‌های زرین‌فام و مینایی نقش بسته است. بر گستره هنرهای متأثر از شاهنامه می‌توان افزود و از هنرهایی چون فلزکاری، گچ‌بری، مجسمه‌سازی، پارچه‌بافی و فرش‌بافی هم یاد کرد.

روی سخن در این پژوهش، تحلیل و بررسی تعامل شاهنامه با یکی از مردمی‌ترین هنرهای ایرانی، یعنی هنر نقالی است که در چند دهه اخیر با رواج و گسترش رسانه‌ها و وسایل ارتباطی جدید، متأسفانه رفته‌رفته رو به فراموشی نهاده است و تنها گاه می‌توان در برخی برنامه‌های مناسبی یا در زورخانه‌ها کورسویی از آن را دید. شاهنامه با دربرداشتن داستان‌ها، افسانه‌ها

و اسطوره‌های کهن ایرانی و به‌ویژه با هنرنمایی تحسین برانگیز فردوسی در پرداخت دقیق عناصر نمایشی آنها، زمینه‌های مناسبی را برای شکل‌گیری یا گسترش انواع هنرهای نمایشی، از جمله هنر نقّالی فراهم آورده است.

از نخستین آثار مکتوب موجود که به شیوه‌های قصّه‌پردازی و هنر نقّالی توجه نشان داده، کتاب طراز الاخبار عبدالنبی فخرالزمانی است که در سده یازدهم تألیف شده است. مؤلف کتاب، ضمن توجه به پیشینه قصّه «امیر حمزه صاحبقران»، آداب قصه‌گویی را نیز به تفصیل یادآور شده است؛ از این رو آن را نوعی بوطیقای قصه‌پردازی در سنت ایرانی سخنوری و نقل قصّه‌ها دانسته‌اند (نک: شفيعی کدکنی، ۱۳۸۱: ۱۱۰؛ محجوب، ۱۳۷۰: ۱۹۰-۱۹۵).

در دوره معاصر از نخستین پژوهش‌هایی که درباره هنر نقّالی و انواع آن صورت گرفت، باید از کتاب نمایش در ایران نوشته بهرام بیضایی یاد کرد که همواره در سالیان متمادی پس از نگارش، محل رجوع و استناد پژوهشگران بوده است. هنر نقّالی اثر سهیلا نجم و مجلد چهارم کتاب نمایش‌های ایرانی نوشته صادق عاشورپور از دیگر آثاری هستند که به تفصیل به جوانب گوناگون هنر نقّالی پرداخته‌اند. در میان پژوهش‌هایی که به بررسی و تحلیل نوع تعامل شاهنامه و هنر نقّالی و تأثیر و تأثر این دو از یکدیگر پرداختند، باید از آثار جلیل دوستخواه، به‌ویژه برخی از مقالات ایشان در کتاب حماسه ایران، یادمانی از فراسوی هزاره‌ها و همچنین آثار جهانگیر نصری اشرفی از جمله گوسان پارسی: بررسی نقل‌های موسیقایی ایران یاد کرد که همواره در

بررسی انواع نقل‌ها، به چگونگی ارتباط آنها با شاهنامه و دیگر متون حماسی نیز توجه نشان داده‌اند.

در پژوهش حاضر، با توجه به ضرورت تبیین و تحلیل نوع تعامل و ارتباط شاهنامه و هنر نقالی، در فصل نخست، با استناد به منابع موجود، ابتدا به اختصار به تعریف، پیشینه و انواع هنر نقالی و سپس با تفصیل بیشتر، به بررسی نوع و چگونگی تعامل میان شاهنامه و هنر نقالی و شاهنامه‌خوانی پرداخته شد.

از داستان‌های اساطیری که بسیار مورد استقبال نقالان واقع شد و صورت‌های متعدد و متنوعی از آن را با اختلافاتی در پاره‌ای از عناصر داستانی، برای مخاطبان خود نقل کردند، «داستان سیاوش» است. از همین رو، فصل دوم کتاب، به نقد و تحلیل تطبیقی داستان سیاوش در سه روایت شاهنامه فردوسی، هفت‌لشکر و شاهنامه کردی اختصاص یافته است. متن هفت‌لشکر، فراهم آمده از طومار نقالان و دربردارنده روایت‌هایی از دوران کیومرث تا بهمن است. بخش‌هایی از این کتاب، که سال ۱۲۹۲ هـ.ق به کتابت رسیده است، منطبق با شاهنامه و بخش‌هایی از آن منطبق با دیگر روایات اساطیری و حماسی چون گرشاسب‌نامه، سام‌نام، رستم‌نامه، فرامرزن‌نامه، بانوگشسپ‌نامه، برزونا، جهانگیرنامه و شهریارنامه است (نک: افشاری و مدائنی، ۱۳۷۷: سی‌ونه - چهل و چهار). اما داستان سیاوش از شاهنامه کردی که منسوب به الماس‌خان کندوله‌ای است و مؤسسه متن آن را همراه با ترجمه فارسی، با عنوان سوگ سیاوش (۱۳۹۶) منتشر کرده است،

هرچند در شاكلة اصلی خود همانندی‌هایی با شاهنامه فردوسی دارد، در بسیاری از جزئیات روایی‌اش چندان همسو با شاهنامه نیست و همانند بسیاری از متون نقالی، متأثر از دیگر متون مکتوب و شفاهی است.

در پایان این گفتار، ضرورت دارد از حمایت مؤسسه فرهنگی فرهیختگان معاصر، به‌ویژه از استاد ارجمند جناب آقای دکتر احمد خاتمی، که همواره از محضر پربرکت علم و دانش ایشان بهره‌مند بوده‌ام، در به ثمر رسیدن این پژوهش و چاپ و نشر آن، تشکر و قدردانی نمایم.

علی تقوی

عضو هیئت علمی فرهنگستان هنر

تابستان ۱۴۰۰



فصل نخست

تحلیل و تبیین تعامل شاهنامه

و هنر نقالی

۱-۱. درآمد

نوع پرداخت و تنوع داستان‌ها و شخصیت‌پردازی‌های منحصر به فرد فردوسی در شاهنامه و توجه ویژه وی در حفظ و بقای فرهنگ و هویت ایرانی، زمینه رشد و بالندگی برخی از انواع هنرهای نمایشی را در ایران فراهم آورد. از جمله هنرهای نمایشی که بسیار متأثر از شاهنامه بوده است، هنر نقالی و شاهنامه‌خوانی است که نقش بسزایی در آشنایی ایرانیان به ویژه عامه مردم با فرهنگ حماسی و اساطیری داشته است.

نقالی و شاهنامه‌خوانی که در ادوار مختلف با توجه به نوع رویکرد حاکمان با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است، در دوره صفویه در کوی و برزن و به ویژه در قهوه‌خانه‌ها که خود پدیده‌ای نوظهور بود، رونقی روزافزون یافت. این روند در دوره قاجار نیز گسترش چشم‌گیری داشت و خاص و عام را به گونه‌ای متوجه خود ساخت.

در دوران معاصر، هنر نقالی و شاهنامه‌خوانی رونق پیشین خود را از دست داده است و رفته‌رفته از جمع نقالان و شاهنامه‌خوانان کاسته می‌شود، اما هنوز هم می‌توان در میان اقوام مختلف ایرانی، شور و اقبال به این هنرها یافت. به نظر می‌رسد این وضعیت تا حدودی مرهون بسط و گسترش انواع هنرهای

نمایشی جدید است و به نوعی در دنیای مدرن و شبه مدرن و در میان جمعی از ایرانیان که دست کم از دوره مشروطه بدین سو، داعیه تجدد و مدرنیته داشتند، دیگر این هنرها که ریشه در سنتها دارد، کمتر می تواند جایگاهی همچون گذشته داشته باشد.

با رشد و گسترش نمایشنامه نویسی در ایران، بسیاری از نویسندگان با توجه به داستانها، مضامین و شخصیت های حماسی و اسطوره ای شاهنامه به خلق نمایشنامه هایی پرداختند. بر اساس مستندات کتاب قابلیت های نمایشی شاهنامه، تا سال ۱۳۸۲ حدود ۱۲۱ نمایشنامه متأثر از شاهنامه نوشته شده که برخی از آنها نیز به اجرا درآمده است (حنیف، ۱۳۸۴: ۱۳۵). نخستین نمایشنامه برگرفته از شاهنامه که در ایران به چاپ رسید «تئاتر ضحاک» نام دارد که ابراهیم پسر میرزا علی اکبر خان آجودان باشی آن را سال ۱۲۸۴ هـ. ش از ترکی به فارسی ترجمه کرده بود (فروغ، ۱۳۵۴: ۳-۴).

اولین نمایشنامه هایی که براساس داستان های شاهنامه به روی صحنه رفت، نمایشنامه هایی بود که به مناسبت هزاره فردوسی در سال ۱۳۱۴ هـ. ش توسط عبدالحسین نوشین متأثر از داستان های «زال و رودابه»، «قباد» و «رستم و تهمینه» نوشته شده بود (فنائیان، ۱۳۸۶: ۵۱). از میان داستان های شاهنامه، داستان رستم و سهراب بیشتر مورد توجه نمایشنامه نویسان بوده است و کسانی مانند حسین کاظم زاده، غلامعلی فکری، محمد مقدم، فرهنگ ارجمند و منوچهر شیانی به خلق نمایشنامه هایی براساس آن پرداختند (فروغ، ۱۳۵۴: ۳۷-۴۱).

۱-۲. شاهنامه و هنر نقالی

نقّالی که با توجه به برخی شواهد و قرائن از قدمتی دیرینه در ایران برخوردار است، در ایران بعد از اسلام، تعامل دوسویه‌ای را با روایت‌ها و حماسه‌های ملی مکتوب، ازجمله شاهنامه برقرار کرده است. از سویی، این هنر به‌ویژه در حوزه شاهنامه‌خوانی و روایت داستان‌های حماسی، تا حدودی وامدار شاهنامه است و از سوی دیگر، نقّالان نیز در شکل‌گیری حماسه‌ها و شاهنامه‌های مکتوب منظوم و منثور و همچنین در گسترش و نفوذ شاهنامه در بین عموم مردم نقش بسزایی داشته‌اند.

بی‌گمان درك درست نوع تعامل شاهنامه و هنر نقّالی می‌تواند از سویی، زمینه‌های لازم را برای مطالعات تطبیقی و بینامتنی، هرچه بیشتر فراهم آورد، و از سویی دیگر، سبب می‌شود تا بیش از پیش در کنار شاهنامه‌پژوهی‌ها، با شناخت خاستگاه‌ها و بن‌مایه‌های هنر نقّالی، از روند رو به فراموشی آن کاست و گامی مؤثر برای شناسایی بخشی از هویت و فرهنگ ایرانی و حفظ و بقای آن برداشت.

۱-۲-۱. تعریف هنر نقّالی

نقّالی از ریشه «نقل» در معنای روایت و بازگفتن داستان، حکایت و افسانه است. واژگان نقّال و نقّالی در مفهوم امروزی‌شان، به احتمال زیاد از دوره قاجار رواج یافته‌اند. در اسناد مختلف پیش از این دوره، برای این منظور از واژگانی مانند قصه‌گو، افسانه‌گوی، داستان‌پرداز، داستان‌سرا، راوی، روایت‌کننده، گزارنده، گزارنده اخبار، گزارنده اسرار، مؤلف اخبار،

قصه خوان، دفترخوان و داستان گزار استفاده می کردند (صفا، ۱۳۷۴: ۹؛ جعفری، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

نقالی، نقل يك واقعه يا قصه، به نظم و نثر، با حرکات و حالات و بیان مناسب در برابر جمع است. نقالی با خطابه متفاوت است، از آن جهت که قصد القای اندیشه خاصی را با توسل به استدلال ندارد، و تکیه آن بیشتر بر احساسات تماشاگران است تا منطق ایشان. نقالی سرگرم کردن و برانگیختن هیجان‌ها و عواطف شنوندگان و بینندگان با بازگفتن حکایات جذاب، لطف بیان، تسلط روحی بر جمع و حرکات و حالات القاکننده و نمایشی نقال است، به آن حد که بیننده او را هر دم به جای یکی از قهرمانان داستان ببیند و بتواند به تنهایی بازیگر همه اشخاص بازی باشد (بیضایی، ۱۳۸۷: ۶۵).

برخی از پژوهشگران، هنر نقالی را هنر داستان گویی نمایشی و نقال را داستان گوی نمایشگر می نامند و نقالی را گونه‌ای داستان گویی با کاربرد شیوه‌ها و فن‌های هنر نمایش می دانند که در ایران پیشینه‌ای کهن، پر دامنه و ارزشمند داشته، یکی از ریختارهای تئاتری برجسته ایران تلقی می شده است (ناظرزاده، ۱۳۷۸: ۶۴).

با توجه به آنچه گفته شد، هنر نقالی از زمره هنرهای نمایشی است که حتی پژوهندگان تاریخ تئاتر جهان، آن را در کنار عواملی چون آیین‌ها و مناسک مذهبی، و رقص و تقلید از حرکات و صدای حیوانات، از عوامل عمده خاستگاه هنر تئاتر دانسته‌اند (براکت، ۱۳۸۰: ۳۰-۳۸). از این رو با توجه به ساختار داستانی نقل‌ها، شخصیت پردازی و همچنین مضامین و

جوهره داستان‌های نقل‌ها که مأخوذ از ریشه‌دارترین بخش از ذوق و زیباشناسی تاریخی و ملی- قومی ایرانیان است، می‌توان به قابلیت گسترده نمایشی آنها پی‌برد (نصری اشرفی، ۱۳۸۵: ۱۱۱).

۱-۲-۲. پیشینه هنر نقالی در ایران

از زمان دقیق پیدایش هنر نقالی اخبار و اطلاعات موثقی در دست نیست، اما بر اساس پاره‌ای از نشانه‌ها و قرینه‌های موجود در متون تاریخی و ادبی، می‌توان گفت که این رشته از سخنوری و قصه‌گویی از قدیم‌ترین زمان‌ها و پیش از نگارش و نظم ادبی داستان‌های پهلوانی ملی و قومی رواج داشته است. برخی از پژوهشگران پیشینه آن را به آن‌هنگام که بشر شیوه زندگی اجتماعی را آموخت، می‌رسانند (عاشورپور، ۱۳۸۹: ۱۳). اما در ایران به‌طور خاص، باید گفت گوسان‌ها از روزگار اشکانیان بدین‌سو، کار داستان‌گزاری و نقالی را در کنار خنیاگری و سرودخوانی برعهده داشته‌اند (نک: دوستخواه، ۱۳۸۰: ۱۵۲؛ محجوب، ۱۳۷۰: ۱۸۸). گوسان در دوره اشکانیان به افرادی گفته می‌شد که با بهره‌مندی از روایت‌ها و داستان‌هایی که از حفظ داشتند، اشعاری را به آواز و با همراهی موسیقی می‌خواندند. براساس شواهد و مدارک موجود، گوسان‌ها از اولین عهده‌داران و راویان بخشی از فرهنگ و هنر شفاهی در فلات ایران بوده‌اند. در این زمینه باید از تسلط آنان بر بسیاری از سنن فرهنگ شفاهی، پدیده‌های آیینی و به‌ویژه موسیقی سخن گفت (نصری اشرفی، ۱۳۸۵: ۱۷).